

فلسفه پایه دوازدهم

درس اول

عنوان درس : هستی و چیستی

رویا عبدالله پور

دبیر فلسفه دبیرستان امام خمینی رامسر

رویا عبدالله پور دبیر فلسفه دبیرستان امام خمینی رامسر

یکی از مباحث اولیه فلسفه، درک دو مفهوم

هستی و چیستی

یا

وجود و ماهیت

قدم نخست مثال

وقتی گرسنه و تشنه باشیم، به سراغ غذا و آب می رویم

این رفتار طبیعی بیانگر چه حقیقتی است؟ **قبول واقعیت**

چون واقعیت ها را قبول داریم میان واقعی و غیر واقعی تفاوت قائل می شویم

کدام اصل فلسفی را در خاطر می آورد؟ ← **اصل واقعیت**

تامل

این رفتار طبیعی و معمولی که از همه انسان ها سر می زند، دربردارنده چه

پیام های فلسفی است؟

اصل پذیرش واقعیت یک اصل بدیهی و روشن است (اصل رئالیسم یا

واقع گرایی) (دیدگاه افلاطون)

چون هم این اصل را قبول دارند و مردم در این مورد رفتار مشابهی دارند

قدم دوم مثال

پدری کودک خود را به باغ وحش می برد تا او را با حیوانات مختلف آشنا کند. حیوان بزرگ و تنومندی در همان ابتدا توجه کودک را جلب می کند. کودک با دیدن آن حیوان از پدر می پرسد؟

این حیوان بزرگ و تنومند فیل نام دارد و در جنگل های هند و آفریقا زندگی می کند. سنگین ترین حیوان روی خشکی است

این چیست؟ آن چیست؟

کودک با استفاده از کلمه این چیست؟ آن چیست؟ به وجود حیوانات پی می برد اما از چیستی و ماهیت آنها اطلاعی ندارد

انسان از واقعیت هر چیزی دو مفهوم در ذهن دارد؟

یکی: **هستی (وجود)**

دیگری **چیستی (ماهیت)**

انسان در هر چیزی که مشاهده می کند، چند جنبه در ذهنش ایجاد می شود؟



چیستی داشتن

و



موجود بودن

کدام وجه بین همه موجودات مشترک است؟ **وجود** ←

کدام وجه بین همه موجودات متفاوت و اختصاصی است؟ **ماهیت** ←

قدم سوم

فارابی، فیلسوف بزرگ مسلمان، به نسبت میان **تمایز** ← (جدا بودن یا مغایر بودن) **وجود و ماهیت** توجه ویژه ای کرد و در مورد تمایز میان این دو مفهوم نکاتی را مطرح نمود.

ابن سینا، دیگر فیلسوف مسلمان، **راه فارابی را ادامه داد** و بیان کرد که وقتی می گوییم **هستی و چیستی** دو جنبه یک چیزند،

به این معنا نیست که آنها دو جزء از یک چیزند که با هم ترکیب یا جمع شده اند؛ آن گونه که اکسیژن و هیدروژن دو جزء تشکیل دهنده آب هستند.

مثال (آب)

از نگاه علم شیمی، آب، **ترکیبی از دو عنصر اکسیژن و هیدروژن** است و این نکته را از طریق یک آزمایش ساده به دست می آوریم.

از نگاه فلسفی

آب **یک موجود واحد** و غیرمرکب ولی دو جنبه مختلف دارد دو مفهوم (چیستی) آب و (هستی یا وجود داشتن) آب

دو مفهوم مختلف و متفاوت از **وجود و آب** نداریم

وجود و آب دو مفهوم مختلف و متفاوت از **یک موجود واحد** است.

تکمیل گزاره ها

۱- در اطراف ما اشیای فراوانی هستند که هم **چیستی** آنها را می شناسیم و هم از **هستی** شان خبر داریم

مانند: دریاها، کوه ها، جنگل ها، درختان، انسان ها، آب، حیوانات مختلف

۲- برخی امور هستند که از **هستی** شان خبر داریم اما **چیستی** آنها هنوز چندان برای ما روشن نیست؛

مانند: اشکال و حجم ها

۳- **چیستی** های فراوانی را هم می توانیم در ذهن خود حاضر کنیم؛ در حالی که می دانیم این امور، حداقل تاکنون **وجود** ندارند

مانند: سیاه چاله ها در فضا و حقیقت نور.

گزاره های فوق، گرچه به مسائل روزمره ما مربوط می شوند و قضایای فلسفی نیستند، یک تبیین فلسفی دارند که ابن سینا به آن توجه کرده است.

قدم چهارم

مغایرت وجود و ماهیت ← دیدگاه این سینا

مثال

انسان حیوان ناطق است و مثلث سه ضلعی است

انسان ← موضوع حیوان ناطق ← محمول

حیوان و ناطق از اجزای تعریفی انسان است و همان چستی اوست و جز ذات و حقیقت انسان می باشد؛ یعنی ذات انسان چیزی جز همان حیوان و ناطق نیست.

این دو مفهوم از یکدیگر جدایی ناپذیرند. هر انسانی حیوان ناطق است و هر حیوان ناطقی انسان است.

لفظ یا واژه انسان برای حیوان ناطقی به کار می رود

مثلث ← موضوع سه ضلعی ← محمول

لفظ یا واژه مثلث برای شکل سه ضلعی به کار می رود

شکل سه ضلعی همان حقیقت و ذات مثلث را نشان می دهد

نکته اصلی

هر محمولی که جز ذاتی موضوع باشد به دلیل نیاز ندارد

یعنی نمی توان پرسید چه عاملی باعث شد که چرا حیوان ناطق بر انسان یا سه ضلعی بر مثلث حمل می شود؟

مثال

انسان موجود است

انسان موضوع موجود محمول است

مفهوم وجود از مفهوم انسان جداست و جزء تعریف آن قرار نمی گیرد.
بنابراین، میان انسان و وجود رابطه ذاتی برقرار نیست؛ به همین سبب، انسان،
می تواند موجود باشد و می تواند موجود نباشد

بنا براین

حمل وجود بر انسان یا هر چیستی نیازمند دلیل است. حال این دلیل
ممکن است از طریق حس و تجربه به دست آید یا از طریق عقل محض



نکته مهم

هر گاه بین موضوع و محمول رابطه ذاتی برقرار باشد به دلیل نیاز ندارد

هر گاه بین موضوع و محمول رابطه ذاتی برقرار نباشد به دلیل نیاز دارد

خلاصه مفاهیم فلسفی چهار گام درس اول

گام نخست

بدیهی بودن پذیرش اصل واقعیت است. اصل پذیرش واقعیت یک اصل بدیهی و روشن است. (اصل رئالیسم)

گام دوم

قبول واقعیات دو مفهوم یکی: هستی (وجود) و دیگری چیستی (ماهیت)

گام سوم

تمایز یا درک جداگانه بودن دو مفهوم هستی (وجود) و دیگری چیستی (ماهیت)

مغایرت وجود و ماهیت در ذهن

گام چهارم

تبیین منطقی مغایرت وجود و ماهیت در ذهن با مثال های منطقی

اگر مفهوم وجود عین مفهوم ماهیت یا جزء آن بود، آیا مشکل و مسئله ای پیش می آمد؟ پاسخ مثبت یا منفی خود را توضیح دهید.



اگر وجود عین ماهیت یا جزء ماهیت می بود، اثبات وجود برای هیچ ماهیتی نیازمند به دلیل نبود. با تصور هر ماهیتی وجود هم با آن همراه بود.

اگر وجود عین ماهیت یا جزء آن می بود، تصور وجود از تصور ماهیت جدا نمی شد

یعنی (هرگاه ماهیت را تصور می کردیم وجود نیز تصور شده بود و حال آنکه گاهی ماهیتی را تصور می کنیم و در آن حال از هستی یا نیستی آن غفلت داریم.)

دانشگاه امام خمینی رامسر

با توجه به بیان ابن سینا، به سؤال های **براساس فعالیت تکمیل کنید** به فعالیت زیر پاسخ دهید.

آیا سه گزاره طرح شده، با بیان ابن سینا هماهنگ اند؟

همه گزاره ها با بیان ابن سینا هماهنگ است و تضادی با قول ایشان ندارد.

کدام گزاره نظر ابن سینا را بیشتر تأیید می کند؟

گزاره سوم و چهارم با روشنی بیشتری تمایز وجود از ماهیت را می رسانند،

زیرا در گزاره سوم این نکته آمده که هستی برخی از امور را می شناسیم اما ماهیت آنها روشن نشده است. در گزاره سوم نیز گفته شده که ما می توانیم ماهیاتی را در ذهن بیاوریم درحالی که ممکن است اصلاً موجود نباشند.

در گزاره اول سخنی از تمایز میان وجود و ماهیت نیست و فقط گفته شده که ما از اشیای پیرامون خود دو مفهوم چیستی و هستی را به دست می آوریم.

گزاره دوم تا حدود زیادی بیانگر تمایز میان وجود و ماهیت است

گذری تاریخی

به علت توجه خاص ابن سینا، این بحث با عنوان مغایرت وجود با ماهیت مقدمه طرح مباحث جدیدی قرار گرفت

ماهیت فرق بین ماهیت و وجود بی تردید یکی از اساسی ترین آرا و عقاید فلسفی در تفکر اسلامی است

کدام نظر فلسفی پایه یکی از برهان های ابن سینا در اثبات وجود خدا قرار گرفت؟

مغایرت وجود با ماهیت

یکی از برهان های ابن سینا در اثبات وجود خدا ← برهان وجوب و امکان

کدام فیلسوف اندیشه های فلسفه ابن سینا را در اروپا گسترش داد؟

یکی از فیلسوفان بزرگ اروپا به نام **توماس آکوئیناس** با فلسفه ابن سینا آشنا بود، اصل مغایرت وجود

و ماهیت را در اروپا گسترش داد و موجب مناقشات فراوانی در آنجا شد

توماس آکوئیناس همچون ابن سینا این نظر را پایه برهان های خود در خداشناسی قرار داد و پایه گذار مکتب فلسفی **تومیسیم** در اروپا شد

پایه گذار مکتب فلسفی تومیسیم در اروپا شد چه کسی بود؟

توماس آکوئیناس

توماس آکوئیناس کدام نظریه فلسفی ابن سینا را پایه برهان های خود در خداشناسی قرار داد؟

مغایرت وجود با ماهیت

او که در قرن ۱۳ میلادی زندگی می کرد، فلسفه ای را در اروپا پایه گذاری کرد که بیشتر متکی به دیدگاه های ابن سینا و تا حدودی ابن رشد بود. همین امر فرصتی را فراهم کرد تا فلاسفه غرب از طریق ابن سینا و ابن رشد مجدداً با فلسفه ارسطویی آشنا شوند؛ گرچه از قرن ۱۶ میلادی با رشد تجربه گرایی، این دیدگاه ها جای خود را به فلسفه های حس گرا و تجربه گرا دادند و فرصت رشد و گسترش بیشتر را پیدا نکردند. این نظریه ابن سینا مورد توجه فلاسفه مسلمان نیز قرار گرفت و زمینه گفت و گوهای مهم فلسفی فراوانی را فراهم آورد که تا امروز هم ادامه یافته است.

به کار ببندیم

قضیه انسان موجود است را با کدام یک از قضایای زیر می توان مقایسه کرد؟

۱. انسان بشر است. حمل بشر بر انسان ذاتی است و دلیل نمی خواهد
۲. انسان حیوان است. حمل حیوان بر انسان ذاتی است و دلیل نمی خواهد
۳. انسان مخلوق است. حمل مخلوق بر انسان ذاتی نیست و دلیل می خواهد که دلیل آن، از طریق عقل به دست می آید.

شبی علی و محمد در حال گفت و گو بودند. از دور، سایه چیزی شبیه یک حیوان نشسته را دیدند. علی گفت: سگ است ولی محمد گفت: آن گرگ است

، وقتی کمی نزدیک تر شدند، دیدند نه سگ نه گرگ است، بلکه یک تخته سنگ است!

به نظر شما چه نتیجه ای می توان در مورد نسبت میان چیستی و هستی گرفت؟

انسان میان وجود و ماهیت تمایز قائل می شود و نیز انسان برای وجود، یک معنا در ذهن دارد

با اینکه نسبت به ماهیت آن موجود شک و تردید دارد که چه ماهیتی است، اما این شک و تردید به وجود آن موجود سرایت نمی کند

به گزاره های زیر توجه کنید و بگویید حمل کدام یک از محمول ها به موضوع ها نیازمند دلیل است و چرا؟

۱. انسان حیوان است. حمل حیوان بر انسان ذاتی است و دلیل نمی خواهد

۲. انسان شیر است. حمل شیر بر انسان ممتنع است زیرا نه به لحاظ مفهومی جزء مفهوم انسان است و نه به لحاظ خارج شیر و انسان یکی هستند

۳. انسان عجول است. حمل عجول بر انسان نیز ذاتی نیست و دلیل می خواهد که دلیل آن هم همان مشاهده و تجربه خود ماست

۴. انسان ناطق است. حمل حیوان بر انسان ذاتی است و دلیل نمی خواهد

۵. انسان موجود است. حمل موجود بر انسان نیز ذاتی نیست و دلیل می خواهد که دلیل آن هم همان مشاهده و تجربه خود ماست.

آیا در قضیه مثلث سه ضلعی است حمل محمول بر موضوع نیاز به دلیل دارد؟ چرا؟

خیر حمل سه ضلعی بر مثلث ذاتی است و دلیل نمی خواهد